

عنوان مقاله:

سیر تطور واژه «ادب» «با تأکید بر سه قرن اول هجری»

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره 8، شماره 18 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

اسماعیل آذر - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

خلاصه مقاله:

«ادب» در عرف عربی جاهلی عادات و رسوم نیکو به شمار می رفته که چنین تفکری از میراث گذشته به یادگار مانده است. از آنجایی که تعلیم و تربیت دارای اهمیت بوده لذا کلمه ادب برای جامع معارف (به غیر معارف دینی) مورد استفاده قرار می گرفته ولی لفظ تأدیب و تعلیم مترادف یکدیگر به کار می رفته است. پس از اسلام معنی ادب با همان مفاهیم قبلی متداول بوده است. آمیزش عربها با اقوام دیگر خاصه در سه قرن اول هجری سبب می شود تا حوزت معنی ادب گسترش یافته و بر انواع علوم و فنون از جمله صنایع، ورزش ها و پیشه ها اطلاق گردد. نیز در سه قرن اول هجری «ادب» در معنای نکته های ظریف، بدیع، لطیفه ها، نادره ها بکار می رفته و کسی را که با موارد یاد شده آشنا بوده، ادیب می خواندند. در اواخر قرن سوم به تدریج ادب به معنی لغت، مصطلح می شود. در قرن پنجم و ششم این واژه برای مفاهیم صرف و نحو و بیان متداول می گردد. مفهوم دگرگونی های واژه ادب در طی قرون متمادی با سرگذشت اجتماعی اقوام همراه بوده است. در زبان فارسی هم بر اساس متون نظم و نثر این واژه در معانی نزاکت، رفتار پسندیده و نیکو و نیز در معنی «علم ادب» از جمله صرف، نحو، لغت و ... مورد توجه قرار گرفت.

کلمات کلیدی:

ادب، تأدیب، علم ادب، ادیب، تعلیم، تعلم

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/315699>

